

لوح عهد وميثاق (امريکا)

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



لوح عهد وميثاق (امريکا) - اثر حضرت عبدالبهاء - مکاتیب عبدالبهاء،
جلد ۳، صفحه ۴۱۰ - ۴۲۳

امريکا عموم احبای الهی عليهم بهاء الله الابی

﴿ هو الله ﴾

ای یاران الهی، عبدالبهاء شب و روز بیاد شما و بذکر شما مشغول زیرا یاران الهی در نزد عبدالبهاء عزیزند و در سحرگاهان تضرع بملکوت الله مینمایم و شما را استفاضه از نفثات روح القدس میطلبم تا شمعهای روشن شوید و بنور هدایت بدرخشید و ظلمت ضلالت را زائل نمائید مطمئن باشید تأییدات ملکوت ابی پی در پی میرسد.

شجره حیات از بهار الهی و ریزش ابر آسمانی و حرارت شمس حقیقت تازه بنای نشو و نما گذاشته عنقریب گل و شکوفه نماید و برگ و بار بار آرد و بر شرق و غرب سایه اندازد و این شجره حیات کتاب ميثاق است.

ولی در این ایام در امریکا بادهای شدیدی بر سراج ميثاق احاطه نموده تا این سراج روشن را خاموش کند و این شجره حیات را از ریشه براندازد.

بعضی نفوس ضعیفه نوهوس از اهل غرض و بی خبر از زلزله بغض و عداوت متزلزل شده و همت را گماشتند که عهد و ميثاق الهی را محو نمایند و آب صافی را گل آلود کنند تا در این گل آلودی ماهی صید نمایند بر مرکز ميثاق طغیان نموده اند بعینه مثل بیانیه که بر جمال مبارک هجوم نمودند هر دمی افترائی زدند و در هر روزی بهانه می کنند و خفياً القای شبهات نمایند تا بکلی ميثاق بهاء الله در امریکا محو و نابود گردد.



ORIGINAL

ای یاران الهی، بیدار باشید بیدار باشید هشیار باشید هشیار باشید. حضرت باب عهد و میثاق جمال مبارکرا از جمیع اهل بیان گرفت که در یوم ظهور من یظهره الله و سطوع انوار بهاءالله مؤمن و موقن شوند و بخدمت پردازند و اعلاء کلمه الله نمایند بعد اهل بیان چون میرزا یحیی و بسیاری اشخاص بر ضد جمال مبارک قیام نمودند و انواع مفتریات برستند و بنفوس القای شبهات کردند و از کتب حضرت باب که جمیع ذکر من یظهره الله است استدلال بر بطلان بهاءالله مینمودند هر روز رساله بر ضد بهاءالله نوشته انتشار میدادند و مردم را بتشویش و اضطراب میانداختند و بنهایت اذیت و ظلم بر حضرت بهاءالله قیام نمودند و خود را بر عهد حضرت باب ثابت میشمردند تا آنکه انوار عهد حضرت باب آفاقرا روشن کرد و جمیع نفوس مؤمنین مخلصین از ظلمات نقض اهل بیان نجات یافتند و مانند شمع روشن برافروختند و جمال مبارک در جمیع الواح و رسائل احبای صادق ثابت را از مجالست و معاشرت ناقضان عهد حضرت باب منع فرمودند که نفسی نزدیکی بآنان نکند زیرا نفسشان مانند سمّ ثعبان میماند فوراً هلاک میکند.

از جمله در کلمات مکنونه میفرماید "مصاحبت ابرار را غنیمت دان و از مرافتت اشرار دست و دل هر دو بردار"

و خطاب باحبای میفرماید که "معلوم آنجناب بوده که زود است شیطان در قیص انسان در آن ارض وارد شود و اراده نماید که احبای جمال سبحانرا بوساوس نفسیه و خطوات شیطانیّه از صراط عزّ مستقیمه منحرف سازد و از شاطیء قدس سلطان احدیه محروم نماید اینست از خبرهای مستوره که اصفیا را بآن آگاه فرمودیم که مبادا بمجالست آن هیاکل بغضیه از مقام محمود ممنوع شوند. پس بر جمیع احبای الله لازم که از هر نفسی که رائحه بغضا از جمال عزّ ایهی ادراک نمایند از او احتراز جویند اگر چه بکل آیات ناطق شود و بکل کتب تمسک جوید" الی ان قال عزّ اسمّه "پس در کمال حفظ خود را حفظ نمایند که مبادا بدام تزویر و حیلّه گرفتار آیند اینست نصیح قلم تقدیر"

و در خطاب دیگر میفرماید "پس از چنین اشخاص اعراض نمودن اقرب طرق مرضات الهی بوده و خواهد بود چه که نفسشان مثل سمّ سرایت کننده است"

و در خطاب دیگر میفرماید "ای کاظم چشم از عالمیان بپوش و ماء حیوان عرفانرا از ید غلمان سبحان بنوش و گوش بمزخرفات مظاهر شیطان مده چه که الیوم مظاهر شیطانیّه بر مراصد صراط عزّ احدیه جالسند و ناس را بکلّ حیل و مکر منع مینمایند و زود است که اعراض اهل بیانرا از مظهر رحمن مشاهده نمائی"

و در خطاب دیگر میفرماید "بسیار در حفظ نفوس خود سعی نمایند چه که شیاطین بلباسهای مختلفه ظاهر شوند و بهر نفسی بطریق او برآیند تا آنکه او را بمثل خود مشاهده نموده بعد او را بخود وا گذارند"

و در خطاب دیگر میفرماید "هر نفسی که از او غلّ غلام استشمام نمائید از او اعراض کنید اگر چه بزهد اولین و آخرین ظاهر شود و یا بعبادت ثقلین قیام نماید"

و همچنین در خطابی دیگر میفرماید "ای مهدی جمیع باین کلمات مطلع شده از مظاهر سجّینیّه و مطالع نمرودیّه و مشارق فرعونیه و منابع طاغوتیه و مغارب جبّتیّه اعراض نمائید"

و همچنین میفرماید "قل أن یا أحبّائی ثمّ أصفیائی اسمعوا نداء هذا الحبيب المسجون فی هذا السجن الأكبر إن وجدتم من أحد أقلّ من أن یحصی روائح الإعراض فأعرضوا عنه ثمّ اجتنبوه" تا آنکه میفرماید "لأنهم مظاهر الشیطان"

و در خطابی دیگر میفرماید "و بمنظر اکبر ناظر باشید عنقریب روائح منتنه انفس خبیثه بر آندیار مرور نماید انشاء الله در آن ایام محفوظ مانید"

در انجیل متی در فصل ثامن عشر در آیه ششم حضرت مسیح میفرماید "و من اعثر أحد هؤلاء الصغار المؤمنین بی نغیر له أن یعلق فی عنقه حجر الریح و یغرق فی لجة البحر ویل للعالم من العثرات فلا بدّ أن تأتي العثرات و لكن ویل لذلك الإنسان الذی به تأتي العثرة فإن اعثرک یدک أو رجلک فاقطعها و ألقها عنک خیر لک أن تدخل الحیاة اعرج أو اقطع من أن تلقی فی النار الأبديّة و لک یدان أو رجلان و إن اعثرک عینک فاقطعها و ألقها عنک خیر لک أن تدخل الحیاة أعور من أن تلقی فی جهنّم النار و لک عینان"

و در اصحاح حادی و العشرون در انجیل متی در آیه ۳۸ میفرماید "و أمّا الکرامون فلها رأوا الإبن قالوا فیما بینهم هذا هو الوارث هاموا نقتله و نأخذ میراثه فأخذوه و أخرجه خارج الکرّم و قتلوه"

و همچنین فی الاصحاح الثانی و العشرين در آیه چهاردهم میفرماید "لأنّ کثیرین یدعون و قلیلین ینتخبون"

و در آثار مبارک الواح حضرت بهاء الله البتّه در هزار موقع مذکور و نفرین بر ناقضین میثاق مینماید بعضی از آن کلمات آسمانی ذکر میشود.

باری جمیع احبّای امریکا میدانند که مؤسس این فساد یعنی نقض میثاق نفوسی هستند که جمیع احبّای الهی مقاصد ایشانرا میدانند سبحان الله با وجود این فریب آنانرا میخورند الحمد لله شما بنهایت وضوح میدانید حضرت مسیح بنهایت محبت و مهربانی بود ولی نفوسی بودند مانند یهوذای استخریوطی باعمال خودشان از مسیح جدا شدند پس چه ذنبی بر مسیح بود حال ناقضین عنوانی کردند که عبدالبهاء استبداد دارد و نفوسی را اخراج میکند و مانند پاپا محروم می نماید ابداً چنین نیست هر نفسیکه جدا شد باعمال و دسایس و وساوس خویش خود را محروم

نمود اگر این اعتراض بر عبدالبهاء وارد باید اعتراض بر جمال مبارک نمایند که بصراحت بحکم قاطع احباء را از معاشرت و الفت با ناقضین از اهل بیان منع فرمود.

[مناجات] ای ربّ میثاق ای نیر آفاق عبدالبهای مظلوم در دست نفوسی بظاهر اغنام و بحقیقت گرگان درنده گرفتار گشته هر ظلمی مجری میدارند و بنیان میثاقرا ویران مینمایند و ادعای بهائی میکنند تیشه بر ریشه شجره میثاق میزنند و خود را مظلوم میشمردند نظیر بیانها که میثاق حضرت برابر شکستند و از شش جهت تیر طعن و مفتریات بر هیکل مبارک زدند با این ظلم عظیم خود را مظلوم میشمردند حال این عبد آستانت نیز گرفتار ظالمان گشته و در هر ساعتی حيله و مکرری مینمایند و افترائی میزنند. یا بهاء الابهی حصن حصین امر ترا از این دزدان محافظه نما و سراجهای ملکوترا از این بادهای مخالف مصون بدار. یا بهاء الابهی عبدالبهاء دمی آرام نگرفت تا آنکه امر ترا بلند نمود و علم ملکوت ابهی در جمیع آفاق موج زد حال نفوسی چند بدسائس و وساوس قیام کرده اند که این علم مبین در امریک سرنگون گردد ولی امید من بتأییدات تو است مرا فرید و وحید و مظلوم مگذار چنانکه شفاهاً و خطاً وعده حتمی فرمودی که این آهوی صحرای محبتت را از هجوم کلاب بغض و عدوان حفظ میفرمائی و این برّه مظلومترا از چنگ و دندان ذءآب کاسره نجات میبخشی منتظر ظهور عنایات و تحقّق وعد محتوم تو هستم توئی حافظ حقیقی و توئی ربّ الميثاق پس این سراجیرا که تو افروختی از این اریاح شدیده حفظ فرما یا بهاء الابهی از جهان و جهانیان گذشتم و از بیوفایان دل شکسته گشتم و آزرده شده ام و در قفس این جهان چون مرغ هراسان بال و پر میزنم و هر روز آرزوی پرواز بملکوت میکنم یا بهاء الابهی مرا جام فدا بنوشان و نجات بخش و از این بلایا و محن و صدمات و مشقت آزاد کن توئی معین و نصیر و ظهیر و دست گیر باری بعضی از آثار و مناجات و آیات جمال مبارک که نهی از معاشرت ناقضانست درج میشود در مناجات فارسی میفرماید "این عبد را حفظ نما از شبهات نفوسیکه اعراض نموده اند و از دریای علمت ممنوعند إلهی إلهی احفظ عبدک بجدک و کرمک من شرّ أعدائك الذین نقضوا عهدک و میثاقک"

و در جای دیگر میفرماید "ای پروردگار من و مقصود جان من بید قدرت این ضعیف را از نعیق ناعقین حفظ نما" ناعق گوساله بنی اسرائیل است.

و همچنین میفرماید "مبغوض مرا محبوب خود دانسته اید و دشمن مرا دوست خود گرفته اید"

و همچنین میفرماید "صحبت اشرا غم بیفزاید و مصاحبت ابرار زنگ دل بزدايد من أراد ان یأنس مع الله فلیأنس مع أحبائه و من أراد أن یسمع کلام الله فلیسمع کلمات أصفیائه"

و همچنین میفرماید "با اشرا الفت مگیر و مؤانست مجو که مجالست اشرا نور جانرا بنار حسابان تبدیل نماید اگر فیض روح القدس طلبی با احرار مصاحب شو زیرا که ابرار جام باقی از کف ساقی خلد نوشیده اند"

و همچنين ميفرمايد "رأس الذلّة هو الخروج عن ظلّ الرحمن و الدخول في ظلّ الشيطان"

و همچنين ميفرمايد "ای عباد نيست در اين قلب مگر تجليات انوار صبح لقا و تکلم نمينمايد مگر بر حقّ خالص از پروردگار شما پس متابعت نفس نمائيد و عهد الله را نشکنيد و نقض ميثاق مکنيد باستقامت تمام بدل و قلب و زبان باو توجه نمائيد و نباشيد از بيخردان"

و همچنين ميفرمايد "أنتم نسيتم عهد الله و نقضتم ميثاقه"

و همچنين ميفرمايد "إن جائتكم أحد بكتاب الفجار دعوه ورائكم من الناس من نقض الميثاق و منهم من اتبع ما أمر من لدن عليم حكيم ليس ضررى بىنى و بلائى و ما يرد عليّ من طغاة عبادى بل عمل الذين ينسبون أنفسهم إلى هذا المظلوم و يرتكبون ما تضيع به حرمة الله بين خلقه ألاّ إنّهم من المفسدين"

و همچنين از لسان ناقضين ميفرمايد "قد جعلت المنابر لذكرك و ارتفاع كلمتك و اظهار امرک و انى ارتقيت عليها لاعلاء نقض عهدک و ميثاقک"

و همچنين ميفرمايند "خذوا ما أمرتم به و لا تتبعوا الذين نقضوا عهد الله و ميثاقه ألاّ إنّهم من أهل الضلال"

و همچنين ميفرمايند "إنّ الذين نكثوا عهد الله في أوامره و نكصوا على أعقابهم أولئك من أهل الضلال لدى الغنى المتعال"

و همچنين ميفرمايند "إنّ الذين وفوا بميثاق الله أولئك من أعلى الخلق لدى الحق المتعال إنّ الذين غفلوا أولئك من أهل النار عند ربك العزيز المختار"

و همچنين ميفرمايند "طوبى لعبد آمن و لأمة آمنت و ويل للمشركين الذين نقضوا عهد الله و ميثاقه و أعرضوا عن صراطى المستقيم"

و همچنين ميفرمايند "سألك أن لا تخيبنى عمّا عندك و ما قدرته لخيرة خلقك الذين ما نقضوا عهدك و ميثاقك قل موتوا بغیظكم قد أتى من ارتعدت به فرائص العالم و زلت به الأقدام إلاّ الذين ما نقضوا عهدهم و اتبعوا ما أنزله الله فى الكتاب"

و همچنين ميفرمايند "إنّ الذى تزيّن برداء الوفاء بين الأرض و السماء يصلّى عليه الملاء الأعلى و الذى نقص العهد يلعنه الملك و الملكوت"

وهمچنين ميفرمايند "خذ ما نزل لك بقوة تعجز عنها أيادي الكفار الذين نقضوا ميثاق الله و عهده و أعرضوا عن الوجه"

وهمچنين ميفرمايند "يا يحيى قد أتى الكتاب خذه بقوة من لدنا ولا تتبع الذين نقضوا ميثاق الله و عهده و كفروا بما نزل من لدن مقتدر علام"

وهمچنين ميفرمايند "قد أصبحت اليوم يا إلهي في جوار رحمتك الكبرى و أخذت القلم لأذكرك بحولك بذكر يكون بمنزلة النور للأحرار و بمثابة النار للأشرار الذين نقضوا ميثاقك و أعرضوا عن آياتك و نبذوا عن ورائهم كوثر الحيوان الذي ظهر بأمرك و جرى من إصبع إرادتك"

وهمچنين در توقيعی بعبدالبهاء ميفرمايند "يا إلهي هذا غصن انشعب من دوحة فردانيتك و سدره وحدانيتك تراه يا إلهي ناظراً إليك و متمسكاً بحبل الطافك فاحفظه في جوار رحمتك أنت تعلم يا إلهي إنني ما أريد إلا بما أردته و ما اخترته إلا بما اصطفيته فانصره بجنود أرضك و سمائك و انصريا إلهي من نصره ثم اختر من اختاره و آيد من أقبل إليه ثم أخذل من أنكره و لم يرده أي رب تری حين الوحي يتحرك قلبي و ترتعش أركانك أسألك بوهي في حبك و شوق في إظهار أمرك بأن تقدر له و لمحبيه ما قدرته لسفرائك و أمناء و حيك إنك أنت الله المقتدر القدير"

"تالله يا قوم يبكي عيني و عين عليّ على الرفيق الأعلى و يضج قلبي و قلب محمد في السرادق الأبهى و يصيح فؤادي و أفئدة المرسلين عند أولى النهى إن أنتم من الناظرين لم يكن حزن من نفسي بل على الذي يأتي من بعدى في ظلل الأمر بسلطان لا تخ مبین لأن هؤلاء لا يرضون بظهوره و ينكرون آياته و يجحدون بسلطانه و يحاربون بنفسه و يخادعون في أمره كما فعلوا بنفسه في تلك الأيام و كنتم من الشاهدين"

وهمچنين در توقيعی بعبدالبهاء ميفرمايند "يا غصن أعظم لعمر الله نوازلك كدرتني و لكن الله يشفيك و يحفظك و هو خير كريم و أحسن معين البهاء عليك و على من يخدمك و يطوف حولك و الويل و العذاب لمن يخالفك و يؤذيك طوبى لمن والاك و السقر لمن عاداك"

وهمچنين ميفرمايد "هل يمكن بعد إشراق شمس وصيتك من أفق أكبر ألواحك أن تزلّ قدم أحد عن صراطك المستقيم قلنا يا قلبي الأعلى ينبغي لك أن تشتغل بما أمرت من لدى الله العليّ العظيم لا تسأل عما يذوب به قلبك و قلوب أهل الفردوس الذين طافوا حول أمرى البديع لا ينبغي لك بأن تطلع على ما سترناه عنك إن ربك هو الستار العليم توجه بوجهك الأنور إلى المنظر الأكبر و قل يا إلهي الرحمن زين سماء البيان بأنجم الاستقامة و الأمانة و الصدق إنك أنت المقتدر على ما تشاء لا إله إلا أنت المدبر الكريم".

باری از این بیانات مبارک و بیانات حضرت مسیح واضح و ثابت و محقق شد که انسان باید با نفوسی که بر عهد و میثاق ثابتند معاشرت نماید و با ابرار الفت کند زیرا قرین سوء سبب می شود که سوء اخلاق سرایت می نماید نظیر مرض جذام که ممکن نیست انسان با مجذوم الفت و معاشرت نماید و مرض جذام سرایت نکند این بجهت حفظ و صیانت است.

این نصّ انجیل را ملاحظه کنید که برادران حضرت مسیح آمدند نزد حضرت مسیح عرض کردند که اینها برادران شما هستند فرمودند که برادران من نفوسی هستند که مؤمن بخدا هستند و قبول نمودند که با برادران معاشرت و مجالست نمایند بهمچنین قرّة العین که معروف آفاق است وقتی که مؤمن بخدا شد و منجذب بنفحات الهی گشت از دو پسر بزرگ خویش بیزار شد زیرا مؤمن نشدند و دیگر ابداً بانها ملاقات نکرد و حال آنکه دو اولاد رشید او بودند و میگفت که احبّای الهی جمیع پسران من هستند ولی این دو ابداً پسر من نیستند و بیزارم.

ملاحظه نمائید که باغبان الهی شاخه خشک و یا ضعیف را از شجره طیّبه قطع می نماید و شاخ درخت دیگر را باین شجره پیوند مینماید هم فصل میکند و هم وصل میکند اینست که حضرت مسیح میفرماید که از جمیع آفاق می آیند و داخل در ملکوت میشوند و ابناء ملکوت از ملکوت خارج میشوند نوه نوح کنعان در نزد نوح مردود بود و دیگران مقبول برادران جمال مبارک از جمال مبارک منفصل شدند و ابداً جمال مبارک با آنها ملاقات نمیفرمودند و هذا فراق بینی و بینکم میفرمودند جمیع اینها نه این بود که جمال مبارک استبداد مجری میداشتند ولی اینها باعمال و افعال و اقوال خود از الطاف و عنایات مبارک محروم ماندند. حضرت مسیح در قضیه یهوذای اسخریوطی و برادران خویش استبداد مجری نداشتند ولی آنان خود را محروم نمودند باری مقصود اینست که عبدالبهاء بی نهایت مهربانست ولی مرض مرض جذام است چه کند همچنانکه در امراض جسمانی باید معاشرت و سرایت را منع کرد و قوانین حفظ الصحّه را مجری داشت زیرا امراض ساریه جسمانی بنیان بشر را براندازد بهمچنین باید نفوس مبارکه را از روائح کریه و امراض مهلکه روحانی محافظه و صیانت کرد و الاّ نقض نظیر مرض طاعون سرایت میکند و کلّ هلاک میشوند در بدایت صعود مبارک مرکز نقض تنها بود بعد کم کم سرایت کرد و این بسبب الفت و معاشرت واقع شد.

۱۴ نو فبر سنه ۱۹۲۱ (عبدالبهاء عبّاس)